

در آستانهٔ اول ماه مه ۱۳۹۷: اکنون چه؟



گرایش مارکسیست‌های انقلاب ایران
militaant.com

کارگران پیشتاز ایران!

در آستانهٔ اول ماه مه ۱۳۹۷ کارگران پیشتاز اعتصاب کننده در کارخانه‌ها و جوانان و قشرهای مختلف معترض در خیابان‌های سراسر ایران، باید توجه کنند که انقلاب پیروزمند آتی که خواهان پاسخ‌گویی ریشه‌ای به تمام مطالبات قشرهای تحت ستم و کارگران است، باید یک انقلاب برنامه‌ریزی شده و هدفمند باشد. تجربه تاریخی انقلاب اکتبر (تنها انقلاب کارگری موفق در جهان) نشان داد که برنامه‌ریزی و تدارک پیشین این انقلاب، تنها توسط یک حزب اخص سیاسی، حزب پیشتاز کارگری، عملی گشت. بدیهی است هم در دوران انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ و هم امروز هدف نهایی کارگران سوسیالیست و مارکسیست‌های انقلابی، تحقق جامعه سوسیالیستی از طریق تسخیر قدرت دولتی توسط شوراهای کارگری است. به سخن دیگر، هدف کارگران پیشتاز سوسیالیست تدارک انقلابی است که خواهان سرنگونی کامل ماشین دولتی سرمایه‌داری و استقرار یک دولت کارگری باشد که این خود آغاز یک انقلاب سوسیالیستی و گسست کامل از امپریالیسم را نشانه می‌زند. هیچ‌یک از اعتراضات، طغیان‌ها و عصیان‌ها در شهرهای ایران به تنهایی قادر به تغییرات بنیادین در جامعه نخواهد شد. حتی هیچ اعتصاب کارگری محلی به تنهایی منجر به کسب مطالبات ریشه‌ای و درازمدت کارگران نخواهد شد.

در سال‌های پیش، بیشماری از فعالان کارگری مجرب و با تجربه، بهای سنگینی برای اهداف خود پرداختند و هنوز هم در حال پرداختن هزینه‌های مبارزاتی خود هستند. تمامی مبارزات کارگری قابل ارج و تقدیرند. ما بی‌تردید باید همواره از تمامی فعالان کارگری که برای خواست‌های صنفی-سیاسی خود مبارزه کرده‌اند، حمایت کنیم. اما دست‌آخر، هیچ‌یک از این فعالیت‌ها ما را گامی به جلو نبرده‌اند. متأسفانه فرصت‌های بسیاری از دست رفته است. رهبران عملی کارگران که در یک مقطع خاص با مطالبات رادیکال و ضد سرمایه‌داری پایه عرصهٔ مبارزاتی می‌گذارند، نهایتاً به علت نبود یک نهاد سراسری و سیاسی، یا دلسرد می‌شوند و به کناری می‌روند، و یا در مقابل گرایش‌های بورژوازیی تمکین می‌کنند.

بنابراین می‌توان اذعان داشت که شرایط عینی و لازم‌تغییر نظام غیر عادلانه و ضدانسانی حاکم وجود دارد. شرایط برای سرنگونی این نظام سرمایه‌داری و جایگزینی آن با یک حکومت کارگری به شکل عینی موجود است. آن چه غایب است، نهادی است که این تدارک را ببیند و طبقه کارگر و سایر قشرهای تحت ستم را سازمان دهد. این نهاد چیزی نیست جز حزب پیشتاز کارگری.

نیاز مبرم به تدارک برای ایجاد حزب پیشتاز کارگری جهت تدارک انقلاب آتی، همین امروز و در آستانه اول ماه مه ۱۳۹۷ بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود.

ایجاد تمامی نهادهای کارگری، مانند اتحادیه‌ها و سندیکاها، تشکلهای مستقل کارگری، مجامع عمومی کارگری و اتحاد عمل‌های کارگری و غیره، امروز، در گرو ساختن حزب پیشتاز کارگری قرار گرفته است.

شیوه سازماندهی انقلاب

برای درک صحیح شیوه سازماندهی می‌توان از مقایسه مکانیسم یک اهرم با شکل سازماندهی استفاده جست. همانطور که می‌دانیم، یک اهرم از سه جزء پیوند خورده تشکیل یافته که با فشار یک نیروی کوچک در یک انتها حجم عظیمی را در انتهای دیگر ارتقاء می‌دهد. البته با استفاده از یک جز تعیین کننده دیگر که تکیه‌گاه اهرم است. اگر حجم بزرگ همان توده‌های کارگران و زحمتکشان در جامعه باشند، نقطه اتکا مسلماً رهبران عملی کارگری اند، و بخش فشاردهنده نیروی حزب پیشتاز کارگری است. در وضعیت انقلابی و آغاز اعتلای انقلابی و بحران اقتصادی و سیاسی در جامعه که حاکمیت دچار بحران می‌شود و توده‌ها در اعتراضات و اعتصابات به سر می‌برند، و قدرت دوگانه در جامعه به وجود می‌آید، این سه جزء در پیوند با یکدیگر پیروزی انقلاب کارگری را تضمین می‌کند.

به سخن دیگر، تشکیل حزب پیشتاز کارگری، در پیوند همزمان این حزب با رهبران عملی کارگران لازمه تدارک انقلاب کارگری است.

در وضعیت کنونی ما شاهد ظهور نطفه‌های اولیه کمیته‌های مخفی در کارخانه‌ها (هر چند پراکنده) بوده ایم.

هچنین حرکت‌های توده‌ای و اعتراضات خیابانی و اعتصابات پراکنده کارگری را مشاهده کرده ایم، اما هنوز حزب پیشتاز کارگری بوجود نیامده است. مسأله‌ی امروزی ما فائق آمدن بر این کمبود است. به عبارت دیگر، ایجاد پیوند هسته‌های مخفی سوسیالیستی (که نطفه‌های اولیه آن در حال شکل‌گیری است) با رهبران عملی کارگری مسأله اصلی تدارک انقلاب آتی است. این دوبرخ از اهرم (کمیته‌های مخفی کارگری و هسته‌های مخفی سوسیالیستی) را بیشتر بررسی می‌کنیم.

اول: وضعیت کمیته‌های مخفی کارگری

کمیته‌های مخفی کارگری نهادهایی هستند که به وسیله کارگران پیشتاز (رهبران عملی کارگران) که به هم اعتماد دارند برای تدارک مبارزه ضد رژیم شکل می‌گیرند. (ما شاهد این کمیته‌های مخفی در اعتصابات کارگری مانند ایران ترانسفو و کارگران نیشکر هفت‌تپه بوده ایم). در درون این کمیته‌ها، کارگران با نظریات و عقاید مختلف شرکت می‌کنند. وجه اشتراک آن‌ها نه اشتراک برنامه‌ای و سیاسی و نه ایدئولوژیک است. کارگران در نهادهای مخفی تنها برای مقابله با مدیران کارخانه به دور یک یا چند اقدام مشخص صنفی فعالیت را آغاز می‌کنند. اما در مراحل فوری بعدی، به علت انفجاری بودن وضعیت سیاسی در ایران، همین اقدامات صنفی اولیه به مطالبات سیاسی تبدیل شده و به مرحله بالاتر مبارزاتی ارتقاء پیدا می‌کنند.

اما، تجربه نشان داده است که این گونه کمیته‌های مخفی کارگری متأسفانه اغلب پس از سلسله فعالیت‌های مشخص به کار خود خاتمه می‌دهند و فعالان آن پراکنده می‌گردند. یارهربان این کمیته‌ها توسط وزارت اطلاعات شناسایی شده دستگیر و ارباب می‌شوند و یا فعالیت‌های آنها تحت نظارت قرار گرفته و نهایتاً خسته و دلسرد می‌شوند، و یا رادیکالیسم پیشین را از دست می‌دهند.

در واقع امروزه آن چه بیش از هر چیز کمبودش در درون جنبش کارگری احساس می‌شود، عدم وجود تداوم و پیگیری مبارزات در کارخانه‌های منفرد و همچنین عدم سراسری شدن اعتصابات در کارخانه‌های ایران بوده است. به سخن دیگر، کمیته‌های خودانگیخته مخفی کارگری به علت نداشتن سازماندهی و تجربه کافی برای تداوم و گسترش اعتصابات، پس از دوره‌ای خاموش گشته و تجربه‌شان به فراموشی سپرده می‌شود. از اینجا ضرورت پیوند این کمیته‌ها با هسته مخفی سوسیالیستی نشأت می‌گیرد.

دوم، چگونگی سازماندهی هسته‌های مخفی سوسیالیستی

امروز آن چه تداوم و سازماندهی کارگران در کارخانه‌ها را می‌تواند تضمین کند، تشکیل هسته‌های مخفی سوسیالیستی بر محور یک برنامه اقدام کارگری است. تنها راه تضمین تداوم فعالیت کمیته‌های مخفی کارگری وجود این هسته‌ها به مثابه ستون فقرات آنهاست. این هسته‌ها می‌توانند زمینه را برای ارتباط‌گیری کمیته‌های مخفی و سراسری کردن آنها فراهم آورند و نهایتاً حزب پیشتاز کارگری را همراه با کارگران پیشتازی ریزی کنند.

این گونه هسته‌ها وظایف متعددی را در مقابل خود قرار می‌دهند:

اول، فعالیت سازمان یافته برای پیوند خود با رهبران عملی طبقه کارگر. این اقدام می‌تواند از طریق حضور در مراکز اعتصابات کارگری و تلاش برای ارتباط‌گیری با کارگران پیشتاز (با رعایت اکید مسایل امنیتی) صورت بگیرد.

دوم، برقراری ارتباط مرتب سیاسی و بحث و تبادل نظر در درون هسته‌ها در مورد مسایل جاری سیاسی روز ایران و درس‌گیری از تجارب بین‌المللی.

سوم، ترتیب جلسات آموزشی درباره اصول اولیه مارکسیسم، مفاهیم سوسیالیسم، انقلاب و برنامه و تجارب جنبش کارگری در سطح جهانی.

چهارم، انتشار بولتن‌های کارگری برای توزیع میان کارگران کارخانه و نهایتاً درگیر کردن کارگران پیشتاز در نگارش و توزیع بولتن‌های کارگری.

پنجم، کمک رسانی به سازماندهی و تدارک اعتراض‌های کارگری در کارخانه و محلات. دخالت سیاسی و تشکیلاتی در فعالیت‌های خودانگیخته کارگران علیه رژیم و مدیران کارخانه و تشکیل تعاونی‌ها برای کمک رسانی به خانواده‌های کارگران در اعتصاب.

ششم، ایجاد تیم‌های مراقبت از خود در مقابل جاسوسان و نفوذی‌های رژیم در کارخانه‌ها و خنثی‌سازی آنها.

چگونگی پیوند هسته‌های سوسیالیستی با کمیته‌های مخفی کارگری

تجربه ما در یک دهه گذشته نشان داده که لازمه پیوند یافتن هسته‌های سوسیالیستی با رهبران عملی و سازماندهی اصلی اعتصاب‌کنندگان در کارخانه (یعنی پیوند بین نیروی فشار و تکیه‌گاه اهرم) وجود یک «تسمه نقاله» است. تسمه نقاله‌ای که این اقدامات مهم و اساسی را به درون کارگران پیشتاز برده و کانالی برای پیوند روشنفکر-کارگران (هسته‌های سوسیالیستی) با کارگر-روشنفکران (رهبران عملی کارگری) ایجاد کند. بدون

این تسمه نقاله، اقدامات تبلیغاتی، افشاگری‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها و در سطح مجازی یک امر فرعی است و تاثیرات اساسی و تعیین‌کننده نمی‌گذارد. از این‌رو این اقدامات مجازی و تبلیغات باید به ایجاد و تداوم تسمه نقاله کمک‌رسانی کند. استفاده از رسانه‌های جمعی و عمومی صرفاً یک بخش فرعی از کار اصلی است. این‌ها مکمل کار اصلی هستند و به خودی خود جای کار اصلی را پر نمی‌کنند.

اگر این استدلال را بپذیریم سؤال بعدی که باید پاسخ بدهیم این است که آیا این «تسمه نقاله» در جنبش کارگری وجود دارد؟ برخی ادعا می‌کنند که کمیته‌هایی که در سال‌های پیش‌نظیر «کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری» یا «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری» و غیره نقش این تسمه نقاله را ایفا کرده‌اند. این استدلال درست نیست، زیرا تسمه نقاله‌ای که می‌باید پیوند ارگانیک بین هسته‌های سوسیالیستی و رهبران عملی را ایجاد کند باید از مدار اقدامات رفرمیستی و علنی کاری خارج شده و متکی بر یک برنامه مشخص با جهت‌گیری ضد سرمایه‌داری و تشکیلات مخفی باشد.

اما در سال‌های گذشته ما یک تجربه در این راستا داشته‌ایم. بخشی از فعالان کارگری و مارکسیست‌های انقلابی حدود یک دهه پیش تلاش به ساختن کمیته‌ای تحت عنوان «کمیته اقدام کارگری» کردند. این کمیته بر محور یک «برنامه اقدام کارگری» با جهت‌گیری اخص ضد سرمایه‌داری ایجاد شد و پس از سال‌ها دخالت‌گری در ایران موفق به جلب برخی از کارگران پیش‌تاز کمونیست شد. کمیته اقدام کارگری مبادرت به انتشار بولتن کارگری به نام «کارگر پیش‌تاز» کرد و آخرین شماره آن (شماره ۲۷) به مناسبت سالگرد اول ماه مه روز جهانی کارگر انتشار یافته و در میان کارگران توزیع شده است.

کمیته اقدام کارگری همواره از تمامی روشنفکر سوسیالیست و کارگر-روشنفکران دعوت به همکاری با آن کرده است. به اعتقاد ما تنها روش صحیح برای رسیدن ساختن حزب پیش‌تاز کارگری در آینده و پیوند خوردن دو بخش از اهرم یعنی هسته‌های سوسیالیستی و کمیته مخفی کارگری ضرورت چنین تسمه نقاله‌ای است.

ضرورت تشکیل اتحاد عمل‌ها

در سال‌های پیش ما شاهد اتحاد عمل‌هایی در درون نهادهای مختلف کارگری، کمیته‌ها و محافل کارگری موجود، بوده‌ایم. اما این اتحاد عمل‌ها به علت نبود تشکیلاتی که تداوم و دمکراسی درونی آن‌ها را تضمین کند، با تفرقه و پراکندگی مواجه شده‌اند. برای تدارکات و سازماندهی کارگران، نهادهای کارگری باید به شکل درازمدت میان کارگران بوده و در کنار آن‌ها به مبارزه پرداخته باشند. برای این اقدامات درازمدت، نهادهای کارگری موجود در وهله نخست باید نهاد مستقل و دمکراتیک داشته باشند. مستقل از دولت سرمایه‌داری، احزاب سیاسی قییم‌مآب غیر کارگری و همچنین مستقل از بوروکراسی کارگری. استقلال از دولت سرمایه‌داری و احزاب خرده بورژوازی موجود برای بسیاری از فعالین کارگری، امری است شفاف و روشن. اما استقلال از بوروکراسی کارگری در درون این نهادها امری است مخفی و ناروشن. نهادی کارگری که دمکراسی کارگری در آن حاکم نباشد و تصمیمات سیاسی و عملی بر اساس توافقات غیر شفاف و زدوبند، بده‌بستان، باندبازی و روابط خصوصی صورت گیرد، فاقد خصلت تشکل مستقل رزمنده کارگری است. نبود دمکراسی کارگری میان کارگران پیشرو نقش تعیین‌کننده آنان را برای دخالت، رهبری و بسیج کارگران برای تجمعاتی مانند مراسم اول ماه مه، مسدود می‌کند.

تنهاراه توفیق در اتحاد عمل (به ویژه در مراسم اول ماه مه) درگیر کردن خود کارگران به شکل توده‌ای است. بدیهی است که شرکت صدها هزار تن از کارگران در چنین روزی تمام اقدامات مخرب رژیم را می‌تواند خنثی کند و روحیه جدیدی در میان مردم عادی به وجود آورد. درگیر کردن کارگران نیز شدنی نیست، مگر این که کمیته‌های موجود از ماه‌ها پیش میان کارگران تدارک این اقدام را برنامه ریزی کرده باشند. بدیهی است که کارگران را نمی‌توان صاعقه‌وار، آن هم در جامعه اختناق آمیز کنونی آماده شرکت در مراسمی کرد. حتی اگر این مراسم خود کارگران،

یعنی اول ماه مه، باشد. متأسفانه کمیته‌های موجود کارگری به جای کار پیگیر میان کارگران، از پایین و مخفی، به کارهای از بالا و علنی روی آورده‌اند. این ندانم کاری‌ها عملاً تعداد بیشتری از فعالان را غیر فعال و دلسرد کرده است. این اقدامات در سال پیش بار دیگر ضرورت ایجاد یک حزب پیشتاز انقلابی را مورد تأیید قرار داده است. بدون وجود یک حزب پیشتاز کارگری، رهبران عملی بوروکرات موجود، فعالیت‌های کارگری را به کج‌راه می‌برند و مسیر تحولات نوین در مبارزات کارگری را مسدود می‌کنند.

تنها چنین حزبی قادر است که نهادهای کارگری را واقعاً مرتبط و درگیر مسایل جنبش کارگری کند و رابطه تنگاتنگ با مسایل روزمره کارگری و رهبران عملی کارگری داشته باشد. نهادهای کارگری کنونی عقب‌تر از خود جنبش کارگری هستند، و به جای اتحاد، افتراق را تشدید می‌کنند.

ضرورت رعایت مسایل امنیتی

تجربه اول ماه مه سال‌های پیش بار دیگر به ما می‌آموزد که برای کار سیاسی در درون طبقه کارگر، نیاز به ساختن کمیته‌های مخفی کارگری است. اشتباه خواهد بود که رهبران عملی کارگران شناسایی شوند و هر لحظه بنا بر تصمیم مزدوران دولت سرمایه‌داری دستگیر و مورد آزار قرار گیرند. زیرا شناخته شدن و دستگیری این فعالان به تداوم مبارزات لطمه می‌زند. این کمیته‌های مخفی می‌توانند با افرادی که از پیش با آنها آشنا بوده‌اند و مورد اعتماد هستند، کمیته‌های دائمی ایجاد کنند، چه هنگامی که در سطح کارخانه‌ها فعالیت دارند و چه زمانی که اعتراض یا مراسمی را سازمان می‌دهند. دولت سرمایه‌داری کنونی با وجود قدرت نمایی‌هایش، با وجود لباس شخصی‌ها و وزارت اطلاعاتش، در قیاس با قدرت کارگران ایران، یک دولت توخالی و ضعیف است. اگر سازماندهی کارگری با برنامه و تدارکات و سازمان یافته صورت گیرد، نه تنها هزینه‌های کمتری پرداخت می‌شود که دولت در وضعیت ضعیف‌تری قرار خواهد گرفت. این سازماندهی نیز تنها از طریق کمیته‌های عمل مخفی امکان پذیر هست.

کمیته‌های دفاع از خود

واقعیت این است که هیچ فرد، دسته، حزب و دولتی حق جلوگیری از هیچ تجمعی به ویژه مراسم اول ماه مه را ندارد. اما این حق کارگران را مزدوران دولت سرمایه‌داری به کارگران اعطان نخواهند کرد. این حق، یعنی حق تجمع نیز همانند هر حق دیگری باید از آنان با سازمان دهی و قدرت کارگری گرفته شود.

کارگران پیشرو برای مقابله با لباس شخصی‌ها و عوامل وزارت اطلاعات تنها یک روش در مقابلشان باقی مانده است؛ سازماندهی کمیته‌های مخفی دفاع از خود. آن‌ها بایستی کمیته‌های مخفی خود را ایجاد کنند. عناصر اطلاعاتی و نفوذی رژیم در درون تجمعات و اعتراضات کارگری بایستی از سوی کمیته‌های مخفی کارگری شناسایی شوند و به هر شکلی که خود کمیته‌ها صلاح می‌دانند، عملیات مخرب آن‌ها متوقف گردد.

اکنون چه؟

در آستانه اول ماه مه ۱۳۹۷ و با اتکا بر تجارب سال‌های پیش، یک وظیفه اصلی در مقابل کارگران پیشروی ایران وجود دارد که متأسفانه بیش از حد به تعویق افتاده، و آن هم تدارک برای ساختن حزب پیشتاز کارگری است. حزبی که از دل کمیته‌های مخفی کارگری تکامل خواهد یافت. کمیته‌های مخفی می‌توانند امر سازماندهی اتحاد عمل‌ها و دفاع از خود و دخالتگری در حوزه‌های صنفی و سیاسی کارگران را به عهده بگیرند. کمیته‌هایی که دمکراسی درونی سایر نهادهای کارگری را تضمین کنند و از طریق تجارب عملی خود کارگران، تدارک اولیه برنامه انقلابی

کارگری را برای ایجاد حزب پیشتاز کارگری فراهم سازند. ساختن کمیته‌های مخفی در کارخانه‌ها و هماهنگی سراسری کمیته‌ها راه را برای تدارک مبارزه سراسری کارگری علیه دولت سرمایه‌داری و مدیران وابسته به دولت، هموار خواهد کرد.

پیش به سوی تعمیق و گسترش کمیته‌های مخفی کارگری
پیش به سوی تشکیل حزب پیشتاز کارگری
پیش به سوی تدارک سرنگونی نظام سرمایه‌داری و استقرار دولت کارگری

گرایش مارکسیست‌های انقلابی ایران

۷ اردیبهشت ۱۳۹۷